

دانشنامه جهان اسلام

ح - خ

حلبی، ابوالصلاح - خانواده

کتابخانه و مرکز اسناد
بنیاد دایرة المعارف اسلامی

(۱۴)



شماره ثبت ۱۴۶۷۶۳

تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۸۹

زیر نظر

غلامعلی حداد عادل

معاون علمی

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۸۹

محمد خیّام و بکر بن محمد مروزی دُخمسینی حدیث شنید و تا آنجا پیش رفت که او را رئیس اهل حدیث در بخارا و اطراف آن دانسته‌اند (سهمی، همانجا؛ سمعانی، ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۱؛ ذهبی، ۱۳۷۶-۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۰۳۰).

حلیمی در ۳۷۷ هنگام سفر حج و در ۳۸۵ به عنوان فرستاده سلطان وقت، وارد نیشابور شد. وی در ۳۸۹ از جانب امیر خراسان نزد والی گرگان، قابوس بن وشمگیر، رفت و در طول این سفرها و اقامتهای کوتاه به روایت حدیث پرداخت، چنانکه محدّث مشهور، حاکم نیشابوری* (متوفی ۴۰۵)، در همین ایام از او حدیث شنید (سهمی، ص ۱۹۹؛ سمعانی؛ ابن اثیر، همانجاها؛ ابن خلکان، ج ۲، ص ۱۳۷-۱۳۸). ذهبی (۱۴۰۱-۱۴۰۹؛ همو، ۱۳۷۶-۱۳۷۷، همانجاها)، ضمن ستایش حلیمی در امر حدیث، ابوزکریا عبدالرحیم بن احمد بخاری و ابوسعید محمد بن عبدالرحمان گنجوردی را در شمار راویان او آورده است. احمد بن حسین رازی فناکی و طاهر بن عبدالله نیز در شمار شاگردان وی ذکر شده‌اند (سهمی، ص ۲۸؛ ابن قاضی شهبه، ج ۱، ص ۲۲۹، ۲۶۲). از او با عناوینی چون امام و حاکم یاد کرده‌اند (سهمی، ص ۲۸؛ سمعانی، ج ۲، ص ۲۵۰). حلیمی در جمادی الاولی ۴۰۳ در بخارا درگذشت (سهمی، ص ۱۹۸؛ سمعانی، همانجا؛ ذهبی، ۱۴۰۱-۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۳۳).

برخی وی را صاحب آثار متعدد و مفید معرفی کرده‌اند (سهمی، ۱۴۲۴، ج ۹، ص ۵۷؛ صفدی، ج ۱۲، ص ۳۵۱؛ یافعی، ج ۳، ص ۵)، اما در منابع، فقط یک اثر از او با نام منهاج الدین فی شعب الایمان ذکر شده است. این کتاب در سه جلد تألیف و در ۷۷ باب تنظیم گردیده، براساس روایتی از پیامبر که ایمان دارای هفتاد و چند شعبه است (برای آثار دیگری با عنوان شعب الایمان ساجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۰۴۷-۱۰۴۸). این کتاب، که صبغه کلامی دارد، شامل ده باب است. نه باب نخست، با موضوعاتی نظیر تعریف و خصوصیات و شرایط ایمان، مقدمات ورود به باب پایانی است. باب دهم، با عنوان «شعب الایمان»، خود شامل ۷۷ باب است که در هر باب، یکی از اجزا و متعلقات ایمان بررسی شده است، از جمله ایمان به خدا، ایمان به ملائکه، و ایمان به حشر و قیامت. منهاج الدین مشتمل بر موضوعاتی در باب فقه، اخلاق و آداب، و نیز مطالبی راجع به مبانی ایمان و نشانه‌ها و احوال قیامت است. این کتاب با تحقیق حلمی محمد فوده در سه جلد (بیروت ۱۳۹۹) چاپ شده است (برای نسخ خطی موجود از کتاب سید، ج ۱، ص ۱۱۰؛ حلیمی، ج ۱، مقدمه حلمی محمد فوده، ص ۲۹-۳۷). شخصیت حلیمی و آرای او در میان شافعیان دارای منزلت و اعتبار است (سهمی، همانجا؛ سبکی، ج ۴،

پس از جنگ حنین و شکست هوازن، رسول خدا به احترام حلیمه و پیوندی که با آن قبیله داشت و به درخواست خواهر رضاعی اش، شیماء، تمام سهم خود و بنی هاشم، از اموال و اسرا، را بخشید و اصحاب نیز، به پیروی از او، همین کار را کردند (یعقوبی، همانجا؛ مسعودی، تنبیه، ص ۲۲۹؛ نیز سید ابن سعد، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۵).

به روایاتی، حلیمه روزگار خلافت ابوبکر و عمر را درک کرد و آن دو با احترام با وی رفتار می‌کردند (سهمی، ص ۱۱۴).

منابع: ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، چاپ محمد ابراهیم بنا و محمد احمد عاشور، قاهره ۱۹۷۰-۱۹۷۳؛ همو، الکامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۸۵-۱۳۸۶/۱۹۶۵-۱۹۶۶، چاپ اگست ۱۳۹۹-۱۴۰۲/۱۹۷۹-۱۹۸۲؛ ابن اسحاق، سیرة ابن اسحاق، چاپ محمد حمیدالله، قونیه ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن حبیب، کتاب المصحّب، چاپ ایلزه لیستن اشتتر، حیدرآباد، دکن ۱۳۶۱/۱۹۴۲، چاپ اگست بیروت [بی تا]؛ ابن سعد (بیروت)؛ ابن قتیبه، المعارف، چاپ ثروت عکاشه، قاهره ۱۹۶۹؛ ابن هشام، السیرة النبویة، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلی، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، [بی تا]؛ محمود ابوریثه، اضواء علی السنة المحمدیة، او، دفاع عن الحدیث، قاهره؛ دارالمعارف، [بی تا]، چاپ اگست قم [بی تا]؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس عظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ هاشم معروف حسنی، سیرة المصطفی، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، السیرة النبویة، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم صلی الله علیه وآله وسلم، قم ۱۳۸۵ ش؛ مسعودی، تنبیه؛ همو، مروج (بیروت)؛ یعقوبی، تاریخ.

/ زیبا معیر /

حلیمی، حسین بن حسن، کنیه اش ابو عبدالله، فقیه و محدّث و قاضی شافعی قرن چهارم و پنجم. وی در ۳۳۸ در گرگان به دنیا آمد. در کودکی به بخارا رفت (سهمی، ص ۱۹۸؛ سمعانی، ج ۲، ص ۲۵۰؛ ابن جوزی، ج ۱۵، ص ۹۴)؛ از این رو، زادگاهش بخارا ذکر شده است (سهمی، ۱۴۰۱-۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۳۲). وی فقه را نزد بزرگان شافعی آن روزگار، یعنی ابوبکر محمد بن علی قفال و ابوبکر محمد بن عبدالله اودّنی، آموخت و پس از مدتی از پیشوایان مذهب شافعی در ماوراءالنهر گردید و در شهرهای آن دیار منصب قضا را برعهده گرفت (سهمی، همانجا؛ عبّادی، ص ۱۰۵؛ سمعانی، همانجا؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۸۲). وی از محدّثانی چون ابوبکر محمد بن احمد بن حنبل، ابو عبدالله محمد بن علی جبّاخانی، خلف بن

ص ۳۳۵-۳۴۳)، چنان‌که ابوبکر بیهقی* (متوفی ۴۵۸)، از ائمه شافعی، در تألیفات خود از آرای او بسیار بهره گرفته است (ابن قاضی شهبه، ج ۱، ص ۱۷۰؛ ذهبی، ۱۴۲۴، همانجا؛ همو، ۱۹۸۴، ج ۳، ص ۸۶؛ صفدی، همانجا؛ برای نمونه ← بیهقی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۸، ۹۶، ج ۲، ص ۷۵-۷۶، ۱۰۲-۱۰۳؛ همو، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۴-۳۵، ۱۰۴). بیهقی (۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۸) تصریح دارد که شاکله اصلی کتاب شعب‌الایمان خود را از المنهاج حلیمی گرفته و در بخشهای گوناگون مطالبی از وی نقل کرده است. وی (۱۴۲۱، همانجا) وجه تمایز کتاب خود را با اثر حلیمی در این دانسته که حلیمی برای اختصار، اسانید روایات را حذف کرده، اما وی احادیث را، به شیوه اهل حدیث، با اسناد نقل نموده است. افراد متعددی در قرون بعد به شرح، تلخیص و منظوم ساختن کتاب حلیمی همت گماردند. از جمله قاضی علاءالدین تبریزی قنوی المنهاج را تلخیص کرده، نورالدین اشمونی آن را به نظم درآورده و خطیب شریینی به شرح آن پرداخته است (ابن قاضی شهبه، ج ۲، ص ۱۴۰، ۳۵۸؛ حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۸۷۱-۱۸۷۲؛ کتانی، ص ۵۰؛ سزگین^۱، ج ۱، جزء ۴، ص ۴۷). ابن عماد (ج ۳، ص ۱۶۸)، و به تبع وی کخاله (ج ۴، ص ۳)، کتابی با عنوان آیات الساعه و احوال القیامة به حلیمی نسبت داده‌اند. این انتساب صحیح نیست و منشأ آن نقل عبارتی از ابن قاضی شهبه است که در آن اشاره کرده المنهاج حلیمی مباحث جالبی درباره آیات و احوال قیامت دارد (نیز ← حلیمی، ج ۱، همان مقدمه، ص ۲۸-۲۹).

منابع: ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن خلکان؛ ابن عماد؛ ابن قاضی شهبه، طبقات الشافعیة، چاپ حافظ عبدالعلیم خان، حیدرآباد، دکن ۱۳۹۸-۱۴۰۰/۱۹۷۸-۱۹۸۰؛ احمد بن حسین بیهقی، شعب‌الایمان، چاپ محمدسعید بسیونی زغلول، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ همو، کتاب الاسماء و الصفات، چاپ عمادالدین احمد حیدر، بیروت ۱۴۲۳/۲۰۰۲؛ حاجی خلیفه؛ حسین بن حسن حلیمی، کتاب المنهاج فی شعب الایمان، چاپ حلمی محمد فوده، [بیروت] ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۱۴۲۴/۲۰۰۳؛ همو، سیر اعلام النبلاء، چاپ شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۱-۱۴۰۹/۱۹۸۱-۱۹۸۸؛ همو، العبر فی خبر من غیر، ج ۳، چاپ فؤاد سید، کویت ۱۹۸۴؛ همو، کتاب تذکرة الحفاظ، حیدرآباد، دکن ۱۳۷۶-۱۳۷۷/۱۹۵۶-۱۹۵۸، چاپ افست بیروت [بی‌تا]؛ عبدالوهاب بن علی سبکی، طبقات الشافعیة الکبری، چاپ محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو، قاهره ۱۹۶۴-۱۹۷۶؛ فؤاد سزگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء ۴، نقله الی العربیة محمود

فهیمی حجازی، [ریاض] ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ سمعانی؛ حمزه بن یوسف سهمی، تاریخ جرجان، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ صفدی؛ محمد بن احمد عبّادی، کتاب طبقات الفقهاء الشافعیة، چاپ یوستا ویستام، لیدن ۱۹۶۴؛ فؤاد سید، فهرس المخطوطات المصورة، ج ۱، قاهره ۱۹۸۸؛ محمد بن جعفر کتانی، الرسالة المستطرفة لیبیان مشهور کتب السنة المشرفه، کراچی ۱۳۷۹/۱۹۶۰؛ عمر رضا کخاله، معجم المؤلفین، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ افست بیروت [بی‌تا]؛ عبداللّه بن اسعد یامی، مرآة الجنان و عبرة البقطان، بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

/ مهرداد عباسی /

حلیمی، لطف‌الله بن یوسف، لغت‌شناس، فقیه، شاعر

و طبیب ایرانی تبار عثمانی در اواخر سده نهم. جدش، عبدالحلیم، اهل سیواس بود و خود حلیمی به احتمال بسیار در آماسیه به دنیا آمده و همانجا بزرگ شده بود (بروسه‌لی، ج ۱، ص ۲۷۳؛ د. ا. د. ترک، ذیل ماده). برخی منابع او را ایرانی و از دیار عجم (← ثریا، ذیل ماده؛ طاشکوپری‌زاده، ص ۳۸۶) و از ادیبان فاضل فارسی‌دان (بروسه‌لی، همانجا) شمرده‌اند. بعضی مؤلفان وی را معاصر سلطان سلیم یاوز (حک: ۹۱۸-۹۲۴) معرفی کرده و گفته‌اند که در ۹۲۲ درگذشته است (← ثریا، همانجا؛ سامی، ذیل ماده؛ شوقی^۲، ص ۱۸۳)، اما این مدعا اشتباه، و نتیجه خلط حلیمی با شاعری به نام حلیمی چلبی است (د. ا. د. ترک، همانجا؛ نیز ← بروسه‌لی؛ طاشکوپری‌زاده، همانجاها).

حلیمی در روزگار سلطان محمد فاتح (حک: ۸۴۸، ۸۵۵-۸۸۶) به استانبول رفت و صدراعظم، محمودپاشا، از او حمایت کرد (قنالی‌زاده^۳، ج ۱، ص ۳۰۳؛ سامی، همانجا). هنگام سلطنت فاتح، حلیمی مقام قضای نواحی مختلف قلمرو عثمانی را داشت، اما وقتی به شاهزاده بایزید دوم توصیه کرد از معاشرانش، که وی را به خمر و قمار و مواد مخدر سوق می‌دادند، پرهیز کند، دوستان شاهزاده برای وی دسیسه چیدند و او در ۸۷۷ در توقات زندانی شد، ولی پس از سه ماه تبرئه و آزاد گردید. آنگاه در قصیده تائیه‌ای به عربی، ماوقع را به اطلاع سلطان رساند و موجب تعقیب و مجازات کسانی شد که ولیعهد را گمراه می‌کردند. حلیمی احتمالاً پس از جلوس بایزید دوم، با تحریک و توطئه همان دشمنان قدیمش، در ۸۸۷ اعدام شد (د. ا. د. ترک، همانجا؛ نیز ← صولاق‌زاده، ص ۲۵۱؛ قس حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۲۴۶: «سنه ۹۰۰ مقتولا»).

حلیمی فارسی را نیک می‌دانست، ولی احتمالاً بیشتر